

دولت پنهان ایران می خواهد با ایجاد شرایط استثنایی، راه فساد پروری و حرام خواری را باز و ایران را بهشت کاسبان جنگ و تحریم کند.

دولت روحانی باید به جای شعار با آمریکا مذاکره کند؛



مصطفی تاجزاده برای کسانی که به او و جریانش می گویند نباید از حسن روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۶ حمایت می کردند از تجربه سال ۱۳۸۴ مثال می زند و می گوید اگر اصلاحات از روحانی حمایت نمی کرد، تجربه شکست انتخاباتی سال ۱۳۸۴ تکرار می شد و مردم آن ها را محکوم می کردند.

به گزارش اسپادانا خبر، وی در مصاحبه با ایسنا گفته: پیروزی آقای خاتمی در انتخابات دوم خرداد حمله نظامی آمریکا به ایران را منتفی کرد و اجازه نداد ایران در چرخه شوم جنگ و فقر بیافتد. دنیا او را به عنوان پرچمدار گفت و گوی تمدن ها می شناسد. از بدو تأسیس سازمان ملل متحد، ایران یک بار توانسته است رأی مثبت همه کشورهای جهان را در مجمع عمومی آن سازمان بگیرد (به استثنا اسرائیل که نماینده اش جلسه را ترک کرد) و آن پیشنهاد خاتمی درباره نامگذاری اولین سال هزاره سوم میلادی به نام گفت و گو تمدن ها بوده است.

از افتخارات دیگر وی این است که اجازه نداد پرونده هسته ای کشورمان در دوره ریاست جمهوری او به شورای امنیت ارسال و ایران تحریم بین المللی شود، زیرا وقتی پرونده کشوری به آن شورا ارجاع می شود، معنایش این است که آن کشور یا باید تسلیم شود و یا باید جنگ را تحمل کند. خوشبختانه با درایت آقایان روحانی و ظریف ما توانستیم بدون جنگ از زیر فصل هفتم منشور ملل متحد خارج بشویم و تهدید جهانی برای صلح محسوب نشویم.

در سیاست داخلی هم شعار خاتمی، زنده باد مخالف من و تبدیل معارض به موافق بوده است. برای همین می گویم آقای خاتمی اهل خشونت ورزی نیست. اهل مدارا و گفت و گو است. حملاتی هم که به ایشان می شود به همین دلیل است. چون پرچمدار اسلام رحمانی است؛ اسلامی که با صلح و دموکراسی سازگار است؛ حقوق همگان را به رسمیت می شناسد و معتقد است مشکلات را باید با گفت و گو حل و کشور را با مشارکت همگانی اداره کرد.

معدود نمایندگانی که در مجلس شلوغ کردند، کسانی هستند که موافق نیستند وضعیت جامعه عادی شود و امور کشور با گفت و گو و با انتخابات آزاد پیش رود. می خواهند وضعیت اضطراری و امنیتی بماند تا یک اقلیت کوچک بتواند بر سرنوشت کشور حاکم باشد. آن ها می دانند فقط در شرایط فوق العاده و غوغا سالار امکان عرض اندام دارند؛ به محض آن که جامعه آرام شود، مردم از سیاست ورزان برای اداره کشور، تعامل با دنیا و توسعه ایران طرح و برنامه می خواهند و تدروها حرفی برای گفتن در این زمینه ها ندارند.

تاج زاده گفته: برای مشخص شدن موضع امروز ما نسبت به دولت آقای روحانی، بگذارید برگردم به گذشته. فرض کنید سال ۱۳۹۶ است و آقای روحانی نامزد انتخابات شده است. انتخابات هم با نامزدهایی که شورای نگهبان صلاحیتشان را با سلیقه خود و نه با معیارهای تصریح شده در قانون تأیید کرده است، برگزار می شود. چه باید می کردیم؟ اگر اصلاح طلبان به صورت جدی از ایشان حمایت نمی کردند، وی رأی نمی آورد. چون دولت پنهان با تمام توان به میدان آمده بود تا حاکمیت را قبضه و یکدست

کند و اهداف خود را پیش ببرد.

اگر آقای روحانی رأی نمی‌آورد، هم امروز و هم در آینده توسط مردم محکوم می‌شدیم. در آن صورت به ما می‌گفتند به دلیل سهم‌خواهی و تمامیت‌خواهی روحانی را تنها گذاشتید و او شکست خورد و ما را مسئول این شکست می‌خواندند. می‌گفتند یک بار با تعدد نامزدها و عدم اجماع در انتخابات سال ۱۳۸۴ کشور را گرفتار تنگ‌نظری فرهنگی، انسداد سیاسی، تحریم و فساد سیستماتیک اقتصادی کردید. اگر از روحانی حمایت نمی‌کردیم مردم می‌گفتند از این تجربه تلخ درس نگرفتید و موجب شکست دولتی شدید که اکثریت ایرانیان در دور اول از عملکرد آن راضی بودند. به همین علت آقای روحانی هفت میلیون رأی بیش از دور اول کسب کرد. اکثریت ایرانیان هم از برجام و تعامل با دنیا و هم از طرح سلامت و نیز مهار تورم (باوجود عدم رونق اقتصادی ملموس) راضی بودند.

به لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز فضا بازتر از دولت احمدی‌نژاد شده بود. دفاعی که روحانی از باز ماندن فضای مجازی کرد از حمایت عمومی بهره می‌برد. بنابراین ما چه دلیلی داشتیم که از ایشان حمایت نکنیم؟ مردم می‌دیدند که او و دولتش کشور را از جنگ نجات داده، از تحریم خارج کرده و در مجموع در حوزه اقتصادی هم گرانی و تورم را مهار کرده است و می‌گوید اگر رأی بیش‌تری بیاورد، دستش برای حل و فصل مشکلاتی مثل حصر و... بازتر می‌شود.

ما هیچ دلیلی بر عدم حمایت از چنین نامزدی نداشتیم. اگر در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ از روحانی حمایت نمی‌کردیم، متهمان همیشگی تاریخ می‌شدیم؛ تمامیت‌خواهان یا تنزه‌طلبان زمان ناشناسی که یک فرصت تاریخی از مردم گرفتیم؛ اگر هم آقای روحانی بدون حمایت اصلاح‌طلبان رأی می‌آورد که البته احتمال آن بسیار اندک بود، ما بدست خود ضربه بزرگی به اصلاحات می‌زدیم و نقش خود را برای توسعه همه‌جانبه و پایدار کشور در شرایط عادی و مقابله با جنگ و تحریم به حداقل ممکن می‌رساندیم. در آن حالت کسی اصلاح‌طلبان را جدی نمی‌گرفت و این جریان نمی‌توانست پرچمدار مطالبات مردمی از نهادهای انتخابی و انتصابی باشد عدم حمایت ما آقای روحانی را نیز به سمت جناح مقابل هول می‌داد. البته من پیروزی ایشان را بدون حمایت حداکثری اصلاح‌طلبان به ویژه پشتیبانی قاطع آقای خاتمی از وی منتفی می‌دانم. ما کار بسیار درستی کردیم که از او حمایت کردیم. به نظر من کسانی که می‌گویند، ما اشتباه کردیم از روحانی حمایت کردیم خود اشتباه می‌کنند. آنان توجه ندارند با نظارت استصوابی و انتخابات استصوابی آقای روحانی و روحانی‌ها بهترین انتخاب ما هستند. مگر اینکه بتوانیم نظارت استصوابی را لغو کنیم و نامزدهای خود را به صحنه بیاوریم و از آنها با تمام توان دفاع کنیم.

ناج زاده می‌گوید: ما مسئولیت دو دولت مهندس موسوی و آقای خاتمی را برعهده می‌گیریم؛ زیرا آن‌ها نامزدهای اصلی ما بودند. در سایر مواقع نامزدی نداشتیم و مجبور به حمایت از کاندیدای موجود در انتخابات بوده‌ایم؛ بنابراین ما مسئولیت خوب و بد دولت‌های موسوی و خاتمی را می‌پذیریم و معتقدیم کارنامه ایشان، به رغم همه کمبودها و کاستی‌ها و حتی تقصیرها قابل دفاع است. به همین علت اکثریت رای‌دهندگان هنوز به آنها اقبال نشان می‌دهند.

اما موضع امروز ما درباره آقای روحانی این است که از فعالیت‌های مثبت وی و دولتش دفاع می‌کنیم. البته هر عمل خوب جناح مقابل را هم تأیید می‌کنیم اما خود را به آب و آتش نمی‌زنیم. برای مثال باوجود انتقاداتی که به آقای رئیسی دارم و او را انتخابی شایسته برای ریاست قوه قضائیه نمی‌دانم و در خاورمیانه‌ای زندگی می‌کنم که در حال حاضر در آن، رسیدن به مطالبات حداقلی مردم گام بزرگی به سوی گذار مسالمت‌آمیز به توسعه دموکراتیک محسوب می‌شود و تحقق تمام مطالبات هر جناح و جریانی، به خصوص در کوتاه مدت، سرابی بیش نیست و حرکت به طرف آن و ندیدن دیگر جریان‌ها سر از درگیری‌های خوین داخلی درمی‌آورد، می‌گویم اگر همین آقای رئیسی به اصلاح در قوه قضائیه همت گمارد، ترکیب و عملکرد جناحی آن را تغییر دهد، استقلال دستگاه قضا را از بخش‌های اطلاعاتی و امنیتی تضمین کند و با مفاصد درون قوه شفاف بجنگد و به بهبود امور دادگاه‌ها و زندان‌ها پردازد، با وجود انتقادهایم، از وی حمایت خواهیم کرد به ویژه اگر گام‌های اساسی در جهت تأمین حقوق شهروندی بردارد. هیئت‌های منصفه را اصلاح و مردمی کند، محدودیت انتخاب وکلای متهمان سیاسی را بردارد و بپذیرد که ما زندانی سیاسی داریم و نامشان را زندانی امنیتی نگذارند تا حقوقشان ضایع شود.

انتصاب آقای رئیسی یک پیامد ناخواسته نیز دارد. بعد از این عملکرد آقایان روحانی و رئیسی دائماً با یکدیگر مقایسه خواهد شد و اینکه کدام یک در دفاع از حقوق شهروندی و مقابله غیر جناحی با مفاصد اقتصادی و اصلاح امور مصمم و به آن چه به مردم وعده داد پایبند است.

وی می‌گوید: ما باوجود حمایت مؤثر از دولت روحانی ضعف‌هایش را نیز نقد می‌کنیم. البته دو کار را به موازات هم انجام می‌دهیم. یعنی به ضعف‌های نهادهای انتصابی نیز می‌پردازیم زیرا همه مشکلات را ناشی از عملکرد دولت نمی‌دانیم. بله گرانی هست اما نقش دولت پنهان در ایجادش کمتر از دولت قانونی نبوده است. وقتی با کارشکنی مقدمات تحریم نفتی و بانکی فراهم می‌شود، معلوم است که شرایط اقتصادی کشور بهم می‌ریزد. ما در دهه اخیر دوبار جهش قیمت داشته‌ایم یکی سال ۹۰ و دیگری در سال ۹۷ چون تحریم نفتی و بانکی شدیم. دولت قانونی می‌توانست جلوی تحریم‌ها را بگیرد ولی به علت کارشکنی‌هایی دولت پنهان و البته جنگ‌سالاران امریکایی نتوانست. بنابراین اخلاقی نمی‌دانیم فقط به دولت انتقاد کنیم که چرا گوشت کیلویی ۱۰۰ هزار تومان شده است.

در حقیقت افراطی‌ها و جنگ‌طلب‌های وطنی پاس می‌دهند، ترامپ هم آبنشار می‌کوبد. پس ما همزمان با انتقاد به دولت، به عوامل و ریشه‌های مشکلاتی که دیگران برای دولت و ملت ایجاد می‌کنند، می‌پردازیم و در عین حال خطاهای روحانی را هم نقد می‌کنیم. دومین کار ما دفاع از راه‌حل‌های صحیح و استمرار چندصدایی در کشور است. مردم توجه دارند کسانی که پرچمدار مقابله با روحانی و استیضاح و برکناری او هستند خیر مردم را نمی‌خواهند. به دنبال منافع اکثراً ضد ملی خود هستند.

برای مثال ما با تصحیح سیاست‌های منطقه‌ای می‌توانیم آمریکا را به برجام برگردانیم و تحریم‌ها را لغو کنیم. آن که تبلیغ می‌کند همه مشکلات از دولت است، فصدش این نیست که جای روحانی امیرکبیر یا مصدق و خاتمی و موسوی را بگذارد. می‌خواهد روحانی نباشد تا حکومت یک دست شود و شرایط را امنیتی کند. بار دیگر اروپا را با آمریکا همراه کند و رأی روسیه و چین را هم به کاخ سفید دهد. توجه شود درست است که امروز تحریم هستیم

اما به لحاظ سیاسی ترامپ منزوی است و ایران از طرف جامعه جهانی سخن می‌گوید که با حفظ برجام، خاورمیانه به صلح نزدیک‌تر می‌شود تا با بهم خوردن آن. پس منکر ضعف‌های دولت نیستیم. با انتقاد از دولت نیز موافقم اما هشدار می‌دهم دولت پنهان می‌خواهد با سو استفاده از نارضایتی به حق مردم، دولت قانونی را سرنگون کند و سپس با ایجاد شرایط استثنایی، عملاً راه بر انسداد سیاسی و ناکارآمدی، فساد پروری و حرام‌خواری باز کند و ایران را بهشت کاسیان جنگ و تحریم کند.

حواسمان جمع باشد؛ باید خطاها و ضعف‌های دولت را نقد کرد. اگر تصحیح نکردند باید اصلاح را به آن‌ها تحمیل کرد تا گام‌های پیش‌تر و بلندتری به سود مردم بردارند. اما از ریشه مشکلات و افشای عوامل و موانع راه دولت نباید غافل شد. ما نباید اشتباه اول انقلاب را مرتکب شویم. مهندس بازرگان که حذف شد، حکومت یک‌دست شد. نتیجه یک‌دست شدن قدرت، دیر یا زود انسداد سیاسی، طالبانی‌گری دینی و فرهنگی، ماجراجویی خارجی و فساد اقتصادی است.

تاج زاده سال بسیار دشواری را در حوزه اقتصادی برای ایران پیش بینی می‌کند؛ بخصوص اگر تحریم‌ها شکسته نشود و ادامه پیدا کند شرایط اقتصادی پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌شود. قدرت مانور دولت روحانی در شرایط تحریم خیلی زیاد نیست مگر اینکه بازی تحریم را به هم بزند و به‌جای اینکه شعار بدهد تحریم را دور می‌زنیم، راهی برای شکستن تحریم‌ها بیابد و با استفاده از همه ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی کشورمان، به مذاکره با آمریکا بپردازد و تحریم‌های نفتی و بانکی را لغو کند.

همچنین با برقراری همزمان ارتباط با دولتمردان مخالف ترامپ، روشنفکران، صلح‌طلبان، جامعه دانشگاهی و افکار عمومی در آمریکا که اکثریتشان مخالف جنگ هستند ترامپ را برای بازگشت به برجام تحت فشار قرار دهد. دولت باید برای دنیا توضیح دهد لغو برجام یعنی گام برداشتن به سوی جنگ. همه کسانی که در آمریکا مخالف برجام بودند، همان کسانی بودند که از جنگ عراق حمایت کردند. تردید ندارم در صورت بروز هر نوع جنگی آمریکا شکست خواهد خورد، همان طور که در عراق ناکام مانده است اما ایران و ایرانی هم آسیب‌های چیران ناپذیر فراوانی خواهند خورد. ما مسئول حفظ کشور هستیم. نباید اجازه دهیم دچار تلاطم‌های ویرانگر شود. افزون بر آن اگر خدای ناکرده در ایران اتفاقی بیافتد، چشم‌انداز صلح در خاورمیانه باز هم به تأخیر خواهد افتاد.

پیشنهاد اولم این است که آقای روحانی برای حل مشکلات اقتصادی و عینی مردم راهبرد شکستن تحریم را پیش بگیرد، با رهبر، جامعه، نخبگان و خبرگان حرف بزند که ما راهی نداریم جز شکستن تحریم‌ها. باید با همان منطق برجام یعنی بازی برد برد پیش رویم تا با لغو تحریم‌ها جامعه آرامش اقتصادی پیدا کند.

از لحاظ سخن گفتن با مردم و برقراری ارتباط با افکار عمومی، دولت کارهای بزرگی می‌تواند بکند. از این جهت انتقاد دارم به روحانی که از ظرفیت ریاست جمهوری و پشتوانه رأی خود استفاده کافی و حتی لازم نمی‌کند. همین ضعف باعث شده تدریجاً با روحیه تهاجمی به دولت بتازند.

اینجا ایران است. همان طور که ترامپ آمد و به جای تدریجاً رأی روحانی افزایش یافت، امروز هم می‌توانیم با وجود ترامپ، عقلانیت را در حکومت حاکم کنیم. برای این کار لازم است روحانی در دفاع از حقوق شهروندی، تأمین آزادی‌ها و در رأس همه در دفاع از انتخابات آزاد موضع روشن و قاطعی بگیرد. سال آینده ما انتخابات مجلس را داریم. رئیس جمهور درست می‌گفت یکی از دلایلی که ترامپ مجدد ما را تحریم نفتی و بانکی کرد این بود که امید داشت بعد از تظاهرات دی ماه پارسال، می‌تواند با فشارهای اقتصادی جامعه را به آشوب بکشاند و بعد به نام دفاع از مردم دخالت نظامی بکند. برای شکستن چنین فضایی راهپیمایی ۲۲ بهمن کافی نیست. تنها راهی که می‌شود نشان داد اکثریت ایرانیان برای جمهوری اسلامی مشروعیت قائل هستند، برپایی انتخاباتی عادلانه و باشکوه است به‌گونه‌ای که همه کسانی که دلشان برای ایران می‌تپد، در انتخابات نامزد موردنظر خود را داشته باشند و تشکیل مجلس مقتدری را انتظار بکشند. در آن صورت دنیا احساس خواهد کرد با یک رژیم مردمی و نسبتاً آزاد رو به رو هستید. نه اینکه جمهوری اسلامی سوئیس است، اما طالبان هم نیست.

از طرف دیگر رئیس جمهور باید با مردم صحبت کند و توضیح دهد ریشه مشکلات جامعه کجاست. ببینید اگر ۵ وزیر خارجه در دنیا باشند که جهانیان آن‌ها را بشناسند، یکی آقای ظریف است. دو سه سال نامزد دریافت جایزه صلح نوبل بود و وزیر خارجه چین اخیراً گفت سخنرانی شما در مونیخ نگاه چند صد میلیون چینی را به شما معطوف کرده است. این کشور هم قاسم سلیمانی می‌خواهد و هم جواد ظریف و حذف هر کدام می‌تواند به منافع کشور آسیب برساند. اما به شرط آن‌که هر کسی در جای خودش باشد.

تاج زاده گفته: می‌گوید فضا را برای ما امنیتی کرده‌اند، مثلاً اجازه برگزاری کنگره سراسری به اصلاح‌طلبان نمی‌دهند؛ به همین دلیل عملاً امکان تشکیل پارلمان اصلاحات از آن‌ها سلب شده است. می‌گویند شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان غیرقانونی است و هر کسی عضو شود، به جرم اقدام علیه امنیت ملی محکوم می‌شود. در چنین فضایی نمی‌شود پارلمان تشکیل داد. البته اصل ایده خوب است و باید حتماً اتفاق بیافتد اما بر اساس شرایط کنونی نمی‌توان. به محض این‌که فرصت شود باید پارلمان اصلاحات را تشکیل داد. البته وزارت کشور به عنوان متولی امر احزاب مشکلی با شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان و نیز تشکیل پارلمان اصلاحات ندارد.

برچسب ها: [اصلاح طلبان](#) [1]  
[انتخابات](#) [2]

---